

نَوْبَةٌ

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۴۵، شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۵۷

وظایف طبقه کارگر در مرحله جدید اوج گیری جنبش انقلابی ایران

من در هر این پرماست: "بدون طبقه کارگری تمام بمب های عالم ماقصد
نیستند، حقیقتاً عاقد فدر رتند".

مشخص شرین دروس عملی کارگران ایران از همین اتفاقی روزگاری
اخیر این بود که با اولین مشت های مکنی که به سیارانه دارد
روز که نهاد و باختینشون رفت شنیز یعنی جزوی حکومت پلمسی و
ازاری کن شاه مأواح اعصابات ام ام امور شهاده و بوزیر
مناطق شرکت صنعتی هارفارک است. شهادت رفیق بک هفته
ره ها اعتماد رفیق بوزیر و بکوک کارگری سازمان رفت که با سهرو
کمی وسیله میشد اند از اوضاع و احوال سراسر کشور اکثر ایشان
کارگرانه تراستور مویر و اتفاق در جاده قم سه راه بالاشکار
اعتصاب ۱۵۰۰ کارگر کافندکیان بازرسی شدند ته اعتصاب
کارگری کارگرانه کوئی باقی نباشند و بزرگ ترین
ولی و شناس خوب ام اهوازه در جمال اقام برپانه میتوان اسلامکند
و گزه های بازی زبرگ مجمعع صنایع نبولا دعستند اعتصاب کارگران سازی
آی ام متفق ای ایار اعتصاب ۱۰۰ کارگرچیت بزمی پیشبرد اعتصاب
کارگران کارگرانه کوئی باقی نباشند و بزرگ شرکت صنایع راه اعتصاب
جهت سایر اعتصاب ۲۰۰ کارگرچیت شرکت صنایع راه اعتصاب ۲ هزار
نفر از کارگران و کارمندان ماسن سایر ایار (کارگران ماسن سایر
اراک و طریق و چند روزه بیارست به اعتصاب بکار رفته زند اعتصاب
۸۵ نفر از کارگران شرکت منطقه ای شدند اعتصاب کارگران
تاسیمات تغییر نهادند ته اعتصاب ۱۰۰ کارگرچیت
سیمان د بورد اعتصاب ۲۰۰ کارگر شرکت "مانا" و "باتسان" هزار
ماشین ۳۰۰ کارگر از این سایر اهواز که در متنبی نهادند و بدوی انتقال از این
اعتصاب کارگران شرکت ای ایار سازی شدند اعتصاب ۲۰۰ کارگر قسم تور
شهریار راه اهواز و دهد این اعتصاب کوچک دیگر کارگران کشیدند
کارگران ایوان که در شرایط استقرار شدند آنچه حکومت پذیرش
اعتصاب ای ایار راه هرچوک و خواص منصوب و اقتداء و سیاسی
پسند کوکه و رام و رفیع و زند این بکاری در ریاست داده است

برادرانشی، چرا برادرکشی؟

سرپریزهای شو رانگیر عطا ها را و راهیان میخواستند مردم اینها
مکاری را بین خود خلق کنند و خلی ما سپاهی پنهان مردم ای انسان و
سیاستیان که از میان آنها برخاسته اند و این کنم کل و گوی و لبخند
بیوه سه تجلی کرد. مرد ای دوست خود کامیون های ارتشی افغانستان
شروع شد و شوش و هاشمیان و سپه زبان سبلل سه روز داشتند و با
سد ها هزار کارگوی بخش کردند که گونه کارگان سه روز داشتند و با
سد راز کنی؟

در این بخش از مجموعه مقالات دندانهای ملی نیز شوشه و خفچی به عنوان استید از سلطنت ایرانیان اشاره شد که در این مقالات از تغذیه ایزادری و شسته حق و حدالت فرار از داد و ستد اتهامات برای این افراد از طبقه ایزادری شرکت کردند که استید از سلطنت ایرانیان را که از این اتهامات برخی برداشت، دهنده این اتهامات را پس از شریعت و همهین پرسنل اسلامی خواستار آزادی از این اتهامات شدند و به این طبقه ایزادری هرگز کان آن دندانه، و صحننه میدانند. ۲۰ استید کماضی همین پرسنل و اگاهی سازانه های این دوره را ایجاد و نثار کردند. مردم کوک در گوش و گاشه هر قیام کردند که شکل های مختلف، جلوه و اگر کوک نباشد، من بنده کوک نباشند. مردم باش رو مشق و شادی شماری بیش خدیدی از ارشته به ما طحق شو... .

تمیدند: و همه انتشار و امید مردم من خود را در این شماره دعوت فرمی‌ساز
- پیرار ارتشی، پژوهنده ماهرک ۰۰

در هرچیز مطابقات راه بیانی مطمئن عین دروز پخته شده
از آن ارشت و مردم بسوی هم رفتهند بارگ برگوچه و خیابان
پل پرگزند. پرگزند بخوبی دسته ای باشند و خون رشه و شاخه های دارند
کتف کردند. آتشیه عمان مدد نهادند که هیچ دیواری نداشتند اما
بکشانید ازهم دید اینها نیستند. ارشت بد که خواستند و آرزوی
تریپ و معمول مانه مردم آزادی و دادن انسانست و مردانه اند که طلب
نهادند. اینها بخوبی از ارشتند با آتشیه دیدند. این کتف و درود روسی ناقصون
نمیگفتند که را در گوش استند اما سلطنت و شرکه و خیابان امیرالامارات
آن که به این دار آورد. برای زیستی که در عمان مردم پایاگهی ندارد از
سنت دار از ارشت به منزله سقط و نهادنی بودند و نهادنست. چنین
که اینها بخوبی از ارشت بخوبی شدند. آشنا بخوبی را که باگل بلخند
که بخوبی از ارشت بد آمدند بدو بخوبی از ارشت و ارشن
بلطف را بارگ بربریم فرازند. امادر آن روز بخون مقدس
بلطف خلقت با برادران این ناظم این رسان و بازی و بازی و می خون بیه
دسته دیگر بخوبی شدند. دهها شاهزاد از فرمان تغیرات کردن
در میدان ای سریان ای ای سریان ای ای سریان ای ای سریان ای ای سریان

سپری دموکراسی در مجلس شه فرموده

نه سخت نخست و وزیر «از خبره سبب زیستن یهیز از خارج شد میلادی
هادر لار اسلحه امریکایی و انگلیسی و ایالات و فرانسوی، جز باد سو رو
نه عرب سبب شستن یهیه همه کاره و باشنه «اچام شند» همیز همانی
فلانی مرد و مطوف و ایران نون و سرستان چرام جز بایکه املاطه
فرگاه روزگار و ساختن دستوره کسی به وجود نداشت ^۱ قیوم ایران بررسی
سال شمس هجری به دستور یارگفراهنگ کشی به کسی عرض شد ^۲
نخست پسر و زیران و کلان را که از این روز و بروز ^۳ فرمان همانی
نمتنع و خلق اسلام را درباره همه چیز و همه چیز از طرف چه مقامی
حصار شد ^۴ ای کن اعدام مینم ^۵ برستان و آذار خواهان راطلس
سالیابی مدد ته کاری ^۶ به کسی عرض شد ^۷ ثغیرهانه هاو گازنیها
و مشترکه های شرکتی هاری سراسر ایران موسسه و پانک و گاراخانه و هتل و ملتیونه سود و
و حاصب هزار هزار موسسه و پانک و گاراخانه و هتل و ملتیونه سود و
در سراسر ایران ^۸ وخت جهان ^۹ هژرگزین سرمایه دار و شرخونشید
ایران و دنیا که کسی است ^{۱۰} آری ^{۱۱} ماگ فرایانشید یکه به ملک میاشه
که این کلمت استخمار ^{۱۲} از پسر و همراهش بازگرد و مدنی متنوی هفتاد
من کافد شد ^{۱۳} این بخوبی بند شد و خواسته و غارت احتجاج به کارکرد
مردم رانیخ توان فریبت و آن شمده کزان خانی که خزان مکون گذاشت
در واقع دورا نهاد ^{۱۴} بریند. آنها در مجلس معمول سواوی به فرمایش
و معلوم حالله کردند ^{۱۵} تبا کان عورت هن دن مرد را اوطه، الملل
بدینشون ^{۱۶} ها از سرچشم و شنا ^{۱۷} بقد ماند که هاوین عده هنها
در گذشتم ^{۱۸} امام رای طاعون و سریع خود را هفته گذشته داد ^{۱۹}
نه میتوان غناهارکنده به ناندیگی از طرف من و جند میلوانی برانی
شاه زده ^{۲۰} بیانت های کره و خشم و گفکن اینجا همه داده در پرس
۳۲ سال میمه به پاریز باری خود را خود باری خود و رضی و خوده همانی
اعدام ^{۲۱} بپرید کشیدند ^{۲۲} «مالت بهد ارم ^{۲۳} بگزیر براين سلسله میبلوی ^{۲۴}»
مرگ شاه خان ^{۲۵} شسته اد اه دار ^{۲۶} «برگ براين سلسله میبلوی ^{۲۷}»
ای ای عزیز کاری کاری و روکشکنی ^{۲۸} بسیار که هاوین نظریه
ساواک در رعنه کشند ^{۲۹} همان کس داده کارگزاری کرد ^{۳۰}
در این بالا مسک ^{۳۱} ساواک ساخته «مزد و دلگدان دیواری به
خیال خود بپردازیست ^{۳۲} ها شافتند و تمام چرک و مغفن دهانه میز
علیلی و پو سیده ^{۳۳} بسیار شر تهیت یاه همینکنی ^{۳۴} طبله بگزیر تو
ایران ^{۳۵} خوب طبله کارگزاری و پهنتان خیشند ^{۳۶} و میگراند خانه
های ایران بسیرون رسختند. اما نهایت باخ ماه این عروسکان خود
روخونه خوش بخشنست: هرچه زیسته و خواهد و شایخی میگردند ^{۳۷}
زیرا این خودی که کوه ای سند اهتماره ای در میان مرد هاست و اگر کسی این
نم کرد بد شناسی موجوب را نگذشت ^{۳۸} کی مامی شد.

سی بازان در چه اداران و افسران مینهن برسنند
در اداره کامپیوتن مینهن ماساچوست ترن لحطات تاریخ خود را مینگذارند
و چنین اتفاقیان کوتوره را با جایهایی مانند زمیه جوانه از این کارگردان
د هفتم و رونشکنگ فرماندهی شاه و پادشاه و دارالملک یا به معانی
رژیم خشکل و استبدادی شاه را به لزمه در آوردند ماست، تهاتی اسلسل
ها ناچلت هایی که شاه به پهلوی چند مرابر قیمت املاک میباولند
که خود را میخواهند و ترور اهل ایران است، خوبه و خوبه دست شاهزاده
تاکنون توانسته است از این طریق این اکن حکم طولکوبی کند و آنرا زن
قیصر مردم به جان آورده و روزنهه مینهن ما، که برادران و خواهران
و بزرگان و اداران میباشند روز امام نکند از این
از این روزت که در این لحظه خسارت میباشد، اسلامیت
سیپارسان میکنند و دشمنان از این خلق که در زیرهای سلسله کوتور
خدمت من کمی فرار گزند است. رزمی کوشیده و من کوشیده ام اما
ندان و تصفیه ارتقیان مینهن برسنند و آزاد بخواهند، اما تنها از مردم
جد اسازد و در بر این آثار راه را در دارد. که مردم هر چهارمین روز کوشیده
هزینه از خود توانسته اند باشند و از این خلق های کوتورهای ریگی جهان
روی آزادی را بینند و چنگهای خون آسوده در این میانیست. و
رباله در صفحه ۲

با اعتراض عمومی سراسری کودتا نظامی شاه را خنثی کنیم!